

موسیقی قرون وسطا



parsmusicinstitute



www.parsmusic.info

وقتی می‌گوییم موسیقی رنسانس، یاد جووانی پالسترینا و ویلیام برد و گیوم دوفه می‌افتیم و شباهت‌های آثار این آهنگ‌سازان هم واقعا کم نیست. هرگاه هم نام باروک می‌آید، بر هر اهل موسیقی رواست تا فوراً نام باخ و ویوالدی را به یاد آورد و در مورد موسیقی کلاسیک و رمانتیک و مدرن هم چنین است. بالاخره هایدن و موتسارت و بتهوون و شوپرت و برامس و اشتراوس و آلبان برگ نمایندگان دوره‌هایی هستند که موسیقی‌هاشان هیچ‌به‌گوشمان غریبه نیست. لیکن دوره‌های قدیم‌تر چه؟ موسیقی‌های دوره‌های دورتر چطور بوده است؟ به‌طور مشخص، موسیقی قرون وسطا چطور بوده و برجستگانش چه کسانی بوده‌اند؟



یکی از مهم‌ترین منابع موسیقی کلاسیک غربی، آثار کلیسایی است، اما جای شگفت دارد که ریشه‌ی آثار کلیسایی به خود کلیسا بازمی‌گردد. در واقع موسیقی‌هایی که امروز به نام آثار آیینی کلیسایی می‌شناسیم، در قرون وسطا و سال‌های پیش از ۱۱۵۰ میلادی ریشه دارند. البته موسیقی‌های قرون وسطایی فقط الهام‌بخش آثار مذهبی نبوده‌اند، بل که آثار مردمی نیز ریشه‌شان در همین موسیقی قرون وسطاست. در این دوران خنیاگران و پرده‌خوانان دوره‌گرد در سراسر اروپای شمالی داستان‌هاشان را با همراهی موسیقی روایت می‌کردند. یکی از این خنیاگران برنار دو وانتادورن بود که در سرزمین گل‌ها، یعنی همین جایی که امروز به نام فرانسه می‌شناسیم، دوره می‌گشت و برای مردم نمایش‌هایی موسیقایی اجرا می‌کرد.



در آن دوران به چین افرادی می‌گفتند تروبادور. تروبادورها در قرون وسطا و حتی در رنسانس اشعاری به زبان فرانسه‌ی میانه (اکسیتانی) می‌خواندند. البته واژه‌ی تروبادور به معنی خنیاگر مرد است و به خنیاگران زن می‌گفتند: تروباپریس. البته تروبادورها فقط در فرانسه کار و زندگی نمی‌کردند، بلکه در سرزمین‌های دیگر نیز به این پیشه می‌پرداختند؛ در سرزمین ژرمان‌ها (آلمان امروزی) از آن‌ها با لفظ «مینه‌زینگر» یاد می‌شد.

والتر فُن در فولگ‌وایلده از مشهورترین این مینه‌زینگرها بود که بین ۱۱۷۰ تا ۱۲۳۰ میلادی می‌زیست.



موسیقی‌های خنیاگران به تکوین بسیاری از آثار فولکلور اروپایی کمک کرده است، اما یکی دیگر از مهم‌ترین پدیده‌هایی که موسیقی کلاسیک امروزی را شکل بخشیده است، شکل‌گیری و توسعه‌ی موسیقی‌ای است به نام اورگانوم. اورگانوم گونه‌ای سرود یا به اصطلاح فرانسوی نوعی پلان‌شان است که با موسیقی‌های پیش از خودش بسیار تفاوت دارد. در یک قطعه‌ی اورگانوم دو خط موسیقایی جدا از هم حرکت می‌کردند؛ یعنی هر آوازخوان، نت‌های متفاوتی از آوازخوان دیگر اجرا می‌کرد. گاهی هم یک خط باس به همراهی خطوط دیگر می‌آمد و عموماً نت پایه‌ی مُد را تدام می‌بخشید که به آن بردون می‌گفته‌اند.



به جز ارگانوم، گونه‌های دیگری از موسیقی نیز در همین دوران زاده شد، از جمله گونه‌ای به نام کندکتوس و گونه‌ی دیگری که هنوز هم برایمان آشناست و در موسیقی‌های باروک نیز نامش را می‌توان بازجست، گونه‌ای به نام «موت».

شاید هنوز هم اهمیت موسیقی قرون وسطایی چنان که باید روشن نشده است، پس اجازه می‌خواهم تا یکی دیگر از گونه‌های موسیقایی را یادآوری کنم که ریشه هایش به موسیقی قرون وسطا بازمی‌گردد: اپرا! در قرون وسطا، در واقع در سال‌های بین ۱۱۰۰ تا ۱۳۰۰، گونه‌ای از موسیقی صحنه‌ای باب شده بود به نام نمایش آیینی، یا به اصطلاح غربی، درامای لیتورژیک.



در این آثار، دسته‌های اجرایی دوره‌گرد به راه می‌افتادند و نمایش‌های بزرگی با درون‌مایه‌های مذهبی و عموماً مربوط به زندگی مسیح اجرا می‌کردند.

در این نمایش‌ها، پرده‌های نقاشی و صحنه‌آرایی‌ها و ادوات صحنه‌ای با اجرای بازیگران و آواز خوانندگان به کار گرفته می‌شد و مخاطبان هم با شور و اشتیاق پای این نمایش‌ها می‌نشستند تا اقوال مسیحیان را بشنوند. همین نمایش‌ها زمینه‌ای شد برای شکل‌گیری نمایش‌های بزرگ‌تری که دیگر ضرورتاً درون‌مایه‌های مذهبی نداشتند. امروز این نمایش‌های بزرگ را به نام اپرا می‌شناسیم که اصلاً اسمش هم از کلیسا برگرفته شده است و معنی‌اش یعنی «کارها».



درواقع اپرا در زبان لاتینی صورت جمع واژه‌ی اپوس به معنی «کار» است و در بافتار کلیسایی، لفظ اپوس به کار خداوند اشاره دارد. بعدها لفظ اپوس برای اشاره به آثار موسیقایی هنرمندان بزرگ به کار گرفته شد. برای نمونه، امروز آثار باخ را با شماره‌های اپوس BWV می‌شناسیم.

شاید امروز موسیقی‌های قرون وسطا ساده یا باستانی به گوش برسند، اما راستش آنچه امروز به نام موسیقی کلاسیک می‌شنویم و می‌پسندیم، خواه‌ناخواه در موسیقی و اندیشه‌ی قرون وسطایی ریشه دارد.



تا همین اواخر سده‌ی بیستم هم تلقی عمومی بر این مبنای بود که قرون وسطا دوران ارتجاع و پس ماندگی و جنگ و بی رحمی بوده است، اما متفکرانی چون اومبرتو اکو کوشیده‌اند تا نشان دهند که تمدن و اندیشه‌ی قرون وسطا هیچ‌گاه از کار نایستاده و بخشی از مهم‌ترین دستاوردهای هنر و تمدن امروزی، در قرون وسطا ریشه دارد.

